

## مسئولیت کیفری اسلام در قبال تخریب منابع طبیعی با رویکرد تخریب جنگل‌ها و مراتع

معصومه شایسته پاهنگه<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۴/۲۰

علی پریمی<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۹/۲

مرتضی براتی<sup>۳</sup>

## چکیده

خداوند در طبیعت نعمت‌ها و مواهب عظیمی برای آدمیان آفریده و آنان را به شکر این نعمت‌ها و پاسداشت آنها فراخوانده است. از این روی، انسانها می‌باید تمام توان خود را در حفظ و بهره‌برداری درست از آن به کار گیرند. گیاهان، جنگل‌ها و مراتع از سودمندترین و زیباترین جلوه‌ها و اعضای پیکره شکوهمند طبیعت‌اند که بسیاری از نیازهای آدمی را برآورده می‌سازند. آنها در زمره مهم‌ترین عوامل حفاظت از خاک قرار دارند. بدین سان انسان باید ارزش گران جنگل‌ها و مراتع را باز شناسد و در حفظ و بالندگی آنها بکوشد و از هر گونه بهره‌وری نادرست و ناپخته بپرهیزد. بی‌شک حفظ انفال و ثروت‌های عمومی و همچنین مدیریت بهره‌برداری در جهت منافع عمومی مردم در احادیث و روایات تاکید شده است و اصولاً وضع و اجرای قوانین مرتبط با منابع طبیعی می‌تواند از تخریب جنگلها و مراتع جلوگیری و مجرمین را در این خصوص بازخواست نماید. کما اینکه قوانین موجود در قانون اساسی، قانون مجازات اسلامی و قوانین حفاظت و حمایت از منابع طبیعی این موضوع را تایید می‌کند و از طرفی ضرورت حفظ جنگل‌ها و مراتع در اسناد داخلی و بین‌المللی نیز آمده است.

کلمات کلیدی: مسئولیت کیفری، تخریب، جنگل و مرتع، انفال، جرم

<sup>۱</sup>دانشجوی دکتری، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران

<sup>۲</sup>دانشیار، گروه فقه و مبانی حقوق، دانشگاه پیام نور، دامغان، ایران

<sup>۳</sup>استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران

Mortezabarati@chmail.com

از آغاز پیدایش انسان، جرم و لغزش و به دنبال آن، کیفر و مجازات پدید آمد، که نخستین لغزش از نخستین انسان (آدم) بوده است. نخستین جنایت در جهان مربوط به قاییل است که برادرش هابیل را کشت. به طور کلی انسانها با قرار گرفتن در زمین، با فراز و نشیبها و راه و بیراهههایی روبرو بوده که خداوند جهت هدایت آنها پیامبران را مامور اصلاح امور کرده است که آخرین راه، قانونی کردن جرایم و کیفر برای ریشه کن کردن جرم و اصلاح مجرمان است. از آنجایی که حقوق جزا بخشی از قانونگذاری کلی اسلام است و قوانین آسمانی اسلام از جمله حقوق جزا، از رحمت عام خداوند متعال بر مردم نشات می‌گیرد و نخستین مظهر رحمت خدا، عدل اوست که آسمانها و زمین بر روی آن قرار گرفته است و چه دلیلی محکم تر از اینکه عدل در مذهب شیعه، در کنار توحید، رسالت، معاد و امامت قرار گرفته و از اصول مذهب شیعه شمرده شده است. با این بیان می‌توان گفت قوانین و شرایع اسلام بر اساس رحمت و عدل قانونگذاری شده است و حقوق جزای اسلامی، هدفی جز رحمت و احسان به خلق و ایجاد عدالت اجتماعی و حفظ مصالح عمومی جامعه ندارد و برای مجرمان کیفر مقرر داشته است. پس هر انسانی عواقب نامطلوب جرمی را که خود او از روی درک و اختیار و عمد مرتکب شده به دوش می‌کشد چون او اهلیت لازم را داشته و از نتایج خوب و بد خود آگاه است. مقاله پیش روی در دو مبحث ارائه می‌گردد که مبحث نخست آن شامل کلیات است که به تعریف اصطلاحات مندرج در مقاله پرداخته است و مبحث دوم آن در خصوص احکام اسلام و قوانین و مقررات موضوعه در قانون اساسی، قانون مجازات اسلامی و قانون حفاظت و حمایت از جنگل ها و مراتع در قبال تخریب جنگلها و مراتع و همچنین مسئولیت ناشی از آن می‌پردازد.

### مفاهیم و کلیات

ریشه لغوی مسئولیت از سئل یسئل اقتباس شده و به معنی خواستن، پرسش و استفهام می‌باشد. سوال به معنی خواهش و درخواست و پرسش است و مسئول به معنی قابل بازخواست ذکر شده است (اصفهانی، راغب، ۱۳۸۸، ۲۵۰). مسئولیت در لغت به معنی موظف بودن به انجام دادن امری است و مسئول کسی است که تعهد در قبال دیگری به عهده دارد که اگر از ادای آن سر باز زند از او بازخواست می‌شود و مسئولیت همواره با التزام همراه است مگر در قلمرو حقوق کیفری (اردبیلی، ۱۳۸۱، ۷۴). همچنین گفتنی است که کلمات هم ریشه با آن در آیات قرآن ۱۱۷ بار تکرار شده است و کلمه مسئول نیز در چهار آیه از قرآن ذکر شده است (ساک، ۱۳۹۲، ۲). از نظر مفردات راغب، به هر حال در بررسی لغوی مسئولیت، قابل بازخواست بودن انسان و تکلیف و وظیفه‌ای که انسان عهده‌دار آن می‌باشد، آشکار است با مطالعه کتب حقوق جزای ایران و همچنین مطالعه مقررات جزایی، تعریفی از مسئولیت ارائه نشده و ماهیت و شرایط تحقق آن مشخص نگردیده است. قانونگذار گاهی برای بیان مواد قانونی مربوط به آن به ذکر کلمه مسئولیت یا عنوان کلی مسئولیت جزایی اکتفا کرده، بدون اینکه تعریفی از آن ارائه

کرده باشد. جعفری لنگرودی نیز در ترمینولوژی حقوق اینطور تعریف کرده است، تعهد قانونی شخص به رفع ضرری که به دیگری وارد کرده است خواه این ضرر ناشی از تقصیر خود وی باشد یا ناشی از فعالیت او شده باشد. مسئولیت به انواع مختلف اعم از مسئولیت اخلاقی، جزایی، تضامنی، انضباطی، اداری و ... قابل تقسیم می‌باشد ولی آنچه به موضوع بحث ما ارتباط دارد مسئولیت قانونی است و آن هر نوع مسئولیتی که در قانون پیش بینی شده است که به دو قسم است، مسئولیت مدنی و مسئولیت کیفری و قدر مشترک آنها نقض الزام و تعهد است. اصطلاح مسئولیت قانونی ترجمه اصطلاح خارجی (responsabiliti legale) است. در فقه، مترادف آن ضمان است که هم در امور کیفری و هم در امور مدنی به کار رفته است ولی ضمان در قانون مدنی ما فقط در مسئولیت مدنی بکار رفته است (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۴، ۶۴۴).

### کیفر

کیفری وصفی است که از انضمام یای نسبت به کلمه کیفر ساخته شده است، کلمه کیفر در اصل فارسی است و در لغت به معنای جزای عقاب (دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، ذیل واژه کیفر)، مکافات بدی و نیکی است که عربی آن، جزاء می‌باشد و مجازاتی است که به کسی که خلاف قانون، شرع یا اخلاق یا عرف یا عادت رفتار کرده و مرتکب عمل بد شده است، داده می‌شود (ارجمند دانش جعفر، ۱۳۷۸، ص ۲۹۳). در تعریفی دیگر، مجازاتی است که در شرع تعیین گردیده است. برای کیفرها و به طور کلی مسئولیتهای کیفری در کتب فقهی انواعی ذکر شده است که مهمترین آنها عبارتند از: حدود، قصاص، دیات، تعزیرات، مجازات‌های بازدارنده و کفارات (کریمی، ۱۳۷۸، ۲۵۴). کیفر از لحاظ نوع و وجوب به سه نوع تقسیم می‌شود: عین یا عینی، مخیر یا تخیری و مرتب یا ترتیبی. هدف اسلام از کیفر گناهکار و جنایتکار زجر و تعذیب او و مجرد تشفی خاطر اولیای دم و مانند این امور نیست؛ بلکه غرض تأدیب و تهذیب اخلاق مجرم، به وجود آوردن جامعه سالم و به طور کلی حفظ و حمایت مردم از شرور و مفساد اجتماعی و سقوط در پرتگاههای رذایل اخلاقی است و به تعبیر دیگر مقصود از خلق، حفظ دین، نفس، نسل، عقل و مال است که به ضرورات خمسه نامگذاری شده است. (گرچی، ۱۳۸۱) و به نظر می‌رسد ذکر این نکته نیز خالی از فایده نباشد. کیفرشناسی (علم مجازات) دارای سه رشته عمده و مرتبط با یکدیگر است یعنی مطالعه نحوه وضع و تنظیم قوانین کیفری، بررسی شیوه محاکمه تعیین مجازات و بالاخره چگونگی اعمال ضمانت اجراهای کیفری. لازم به ذکر است که واژه مجازات نیز از نظر لغوی شامل پاداش نیک یا بد (بندرریگی، ۱۳۷۸) می‌شود یعنی از نظر لغت معنای آن عام است و در اصطلاح حقوق جزا، مجازات عبارت است از مشقتی که از طرف حکمرانان و هیئت حاکمه به نمایندگی جامعه و مردم به مجرم تحمیل می‌شود (اباذری، ۱۳۷۹، ص ۱۶).

### مسئولیت کیفری

به طور کلی باید گفت الزام شخص به پاسخگویی در قبال تعرض به دیگران، خواه به جهت حمایت حقوق فردی صورت گیرد و خواه به منظور دفاع از جامعه، تحت عنوان "مسئولیت کیفری" یا "مسئولیت جزایی" مطرح می‌شود. با این وجود،

در هیچ یک از قوانین جزایی چه در گذشته و چه در حال حاضر ماهیت حقوقی و تعریف مسئولیت کیفری به طور مشخص بیان نشده است (نظری). به هر حال مسئولیت کیفری نوعی الزام شخص به پاسخگویی آثار و نتایج نامطلوب پدیده جزایی یا جرم است. مسئولیت مدنی عبارت است از " ملزم بودن شخص به جبران خسارتی که به دیگری وارد کرده است. " مسئولیت مدنی زمانی به وجود می آید که کسی بدون مجوز قانونی به حق دیگری لطمه بزند و در اثر آن زیانی به او وارد آورد، فرق نمی کند عملی که موجب زیان شده است جرم باشد یا شبه جرم. در هر موردی که شخص موظف به جبران خسارت دیگری است گفته می شود که این فرد مسئولیت مدنی دارد و ضامن است (شهیدی، ۱۳۹۷، ۸۳). شرایط مسئولیت کیفری: برای تحقق مسئولیت کیفری، شخص باید واجد اهلیت کیفری باشد و این توانایی در عقل، بلوغ و اختیار خلاصه می شود. یعنی تنها فرد عاقل، بالغ و مختار را می توان مجازات کرد و اگر یکی از این سه ویژگی در شخص وجود نداشته باشد وی اهلیت کیفری نخواهد داشت. طبق ماده ۱۴۰ ق.م.ا: "مسئولیت کیفری در حدود، قصاص و تعزیرات تنها زمانی محقق است که فرد حین ارتکاب جرم عاقل، بالغ و مختار باشد به جز در مورد اکراه بر قتل که حکم آن در کتاب سوم قصاص آمده است".

### عوامل رافع مسئولیت کیفری

مسئولیت کیفری، ناشی از جرم و یکی از بنیادهای حقوقی است که بدون اثبات آن، احقاق حق مفهوم عینی خود را از دست داده و صرفاً جنبه ذهنی خواهد داشت. در سیستم حقوقی فعلی، تا زمانی که شخص از جهت قانونی، مسئولیت کیفری نداشته باشد به هیچ وجه نمی توان او را تعقیب و مجازات نمود. تحمیل بار مسئولیت و کیفر برای مرتکب جرم، مستلزم آن است که وی از نظر جسمی، روانی، رشد، اهلیت و سایر خصوصیات لازم، در وضعی باشد که توانایی درک صحیح اعمال و رفتار خود را داشته باشد تا بتوان جرم را به او نسبت داد و از نظر کیفری او را مسئول شناخت چرا که در پاره ای اوقات، قانونگذار به علت وجود شرایط و دلایلی بار مسئولیت را از دوش مجرم برمی دارد که از آن می توان تحت عنوان "علل رافع مسئولیت کیفری" نام برد (محمدی آدرگانی، ۱۳۸۸، ۶). پس بر اساس توضیحات فوق در خصوص شرایط مسئولیت کیفری می توان گفت در سیستم حقوق جزای ایران، مفهوم بلوغ در افراد، همان سن قانونی لازم برای پاسخگویی به امور کیفری بر مبنای علایم ظاهری بلوغ است که برای پسران ۱۵ سال قمری و برای دختران ۹ سال قمری معین گردیده است که ماده ۱۴۷ ق.م.ا به آن اشاره کرده است. در مفهوم بلوغ قانونی به کیفیت تشخیص حسن و قبح امور توسط نوجوان توجه چندانی نشده بود. در حالی که با توجه به مفهوم مسئولیت که اساس آن بر اراده آزاد است ضرورت یافت در جرایم تعزیری که در عمل، تقریباً همه جرایم ارتكابی نوجوان را تشکیل می دهد به دادگاه های کیفری اعم از عمومی (یا ویژه اطفال) اختیار داده شود تا بر پایه کیفیات جرم ارتكابی و شخصیت بزهکار و بر اساس میزان درک و قابلیت اخلاقی و اجتماعی وی مبادرت به تعیین کیفر مناسب برای نوجوانان بشود تا نتیجه اعمال کیفر مناسب بیداری حس مسئولیت پذیری در نوجوان باشد که نتیجه آن اصلاح وی و تامین دفاع اجتماعی است و نه اعمال کیفر به خاطر رسیدن به سن قانونی. از این مهم تر در جرایم مستوجب حدود و قصاص و دیات و تعزیرات در اجرای ماده ۸۸ و تبصره های مربوط و مواد ۹۱ به بعد ق.م.ا، تغییرات اساسی در قوانین به عمل آید (

گلدوزیان، ۱۳۹۵، ۴۳۹). یکی دیگر از عوامل رافع مسئولیت کیفری جنون است و ماده ۵۱ ق.م.ا ۱۳۷۰ و ماده ۱۴۹ ق.م.ا ۱۳۹۲ مقرر می‌دارد: "جنون در حال ارتکاب جرم به هر درجه که باشد رافع مسئولیت کیفری است. با وجود این در ق.م.ا ۱۳۷۰ آمده است: در صورتی که تادیب مجنون مرتکب جرم موثر باشد به حکم دادگاه تادیب می‌شود که این موضوع به درستی در ق.م.ا ۱۳۹۲ حذف شده است. بدین ترتیب وقتی جرمی توسط فردی روانی تحت سلطه این بیماری ارتکاب شود انتساب جرم به مرتکب مجنون، منتفی و در نتیجه مسئولیت جزایی چنین فردی و کیفر او غیر ممکن است (گلدوزیان، ۱۳۹۵، ۴۷۷). از دیگر عوامل رافع مسئولیت کیفری اجبار و اکراه است که در ماده ۵۴ ق.م.ا مصوب ۱۳۷۰ مقرر می‌دارد: "در جرایم موضوع مجازات‌های تعزیری و بازدارنده، هرگاه کسی بر اثر اجبار یا اکراه که عادتاً قابل تحمل نباشد، مرتکب جرمی گردد مجازات نخواهد شد در این مورد اجبار کننده به مجازات فاعل جرم با توجه به شرایط و امکانات خاطی و دفعات و مراتب جرم و مراتب تادیب از وعظ و توبیخ و تهدید و درجات تعزیر محکوم می‌گردد". در همین جهت به ماده ۱۵۱ ق.م.ا ۱۳۹۲ مراجعه شود. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مصادیق عوامل موجهه‌ی جرم را که مسئولیت‌های کیفری و مدنی را منتفی می‌ساخت، از عوامل رافع مسئولیت کیفری قرار داد و نفس رفتارهای مشروع را جرم شناخت و معافیت از مجازات را به دادگاه واگذار نمود (گلدوزیان، ۱۳۹۵، ۴۰۳).

### تخریب

مصدر متعددی از باب تفعیل است و به معنی خراب کردن، نابود کردن و ویران کردن است و در حقوق جزایی، تخریب شامل وارد ساختن عمدی لطمه بر تمامیت فیزیکی شی یا مال دیگری است. اتلاف مال هنگامی که همراه با عمد و قصد مجرمانه انجام گیرد موجب تحقق تخریب و سوزاندن می‌گردد و دارای هر دو حیثیت کیفری و حقوقی می‌باشد و عدالت هم ایجاب می‌کند که هر کس به مال دیگری صدمه بزند مسئول خسارت ناشی از رفتار خود باشد و ملزم گردد تا خسارت ناشی از رفتار خود را جبران کند (گلدوزیان، ۱۳۹۵، ۴۷۶). تخریب و جرم آن در قوانین مختلف از جمله قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، قانون معادن، قانون مربوط به حمایت اموال فرهنگی و ... آمده است که در این مقاله بنا داریم به قانون حفظ و حمایت از منابع طبیعی و ذخایر جنگلی مصوب ۱۳۷۰ بپردازیم.

### جنگل

جنگل به لحاظ لغوی، اصطلاحی و حقوقی دارای تعاریف مختلفی است. در لغت نامه معین: "زمین وسیعی که از درختان انبوه و بسیار پوشیده باشد. در جنگل معمولا درختان کوچک و بزرگ و تنومند به طور نامنظم و همچنین علف‌های خودرو فراوانند و به صورت طبیعی و مصنوعی است" (معین، محمد، ۱۳۶۳، ۱۲۴۶). جنگل‌شناسان نیز تعاریفی متعدد و گوناگونی از جنگل ارائه داده‌اند که از جمله آن: "جنگل عبارت است از اجتماعی که اکثر افراد آن را جنگل تشکیل می‌دهد به همراه این

درختان درختک، درختچه، بوته، پوشش علفی زنده، پوشش مرده، حیوانات مضر و مفید وجود دارند که همیشه تحت تاثیر عوامل محیط قرار می گیرند" (مصدق، احمد، ۱۳۹۰، ۱).

در فرهنگ محیط زیست از جنگل چنین تعریفی ارائه شده: جنگل منطقه‌ای از زمین است که با درختان پوشیده شده باشد. جنگل در حفظ آب و خاک و حیات وحش و جلوگیری از فرسایش زمین و همچنین در تهیه چوب ارزش بسزایی دارد ( دولت آبادی، ۱۳۸۷، ۱۰۶). همچنین بند ۱ ماده قانون حفاظت و بهره‌برداری جنگلها و مراتع مصوب ۱۳۴۶، در این خصوص مقرر نموده است: "جنگل یا مرتع یا بیشه طبیعی عبارت است از مرتع یا بیشه ای است که بوسیله اشخاص ایجاد نشده است."

### جرم

معنای لغوی جرم: جرم و جریمه از جرم (بر وزن فعل) گرفته شده، که به معنی قطع کردن است. در مفردات راغب به معنای کندن و چیدن میوه از درخت آمده است (راغب اصفهانی، ج ۱؛ ص ۳۵۸) و به طور استعاره برای ارتکاب زشتی و انجام و کسب گناه بکار می‌رود و نیز در بیشتر سخنانشان به آدم زیرک و باهوش که کارش پسندیده و نیکو است اطلاق شده است که مصدرش - جرم - است (راغب اصفهانی، ج ۱، ص ۳۵۸). معنای اصطلاحی جرم: معنی حقوقی جرم، در فقه، با آن چه در لغت بدان اشاره شده، مشابهت دارد. بلکه می‌توان گفت بین آنها هیچ فرقی وجود ندارد، زیرا فقها جرم را چنین تعریف کرده‌اند: جرم، عبارت است از انجام دادن فعل، یا گفتن قول که قانون اسلام آن را حرام شمرد، و بر فعل آن کیفری مقرر داشته است، یا ترک فعل، یا قول، که قانون اسلام آن را واجب شمرد و بر آن ترک کیفری مقرر داشته است و این از آن جا نشأت گرفته که هر کس از اوامر و نواهی خداوند متعال سرپیچی کند، برای او کیفر و مجازاتی معین شده است، و آن کیفر یا در دنیا گریبان‌گیر مجرم می‌شود و یا در آخرت مجرم را معذب خواهد داشت، مگر آن که توبه مجرم طبق شرایطی مورد پذیرش خدای تعالی قرار گیرد ( فیض، ۷۰).

### نقش تعالیم اسلام در استفاده از منابع طبیعی

استفاده درست و مطلوب از منابع طبیعی در آموزه‌های اسلام، از اهمیت خاصی برخوردار است و راهکارهایی نیز جهت جلوگیری از تخریب و یا زیاده روی در استفاده از منابع طبیعی دارد. در تعالیم اسلام، نقش اعتقادات در فعالیتهای اقتصادی بسیار موثر و تعیین کننده است. این اعتقادات، رفتارهای اقتصادی از جمله چگونگی برخورد با طبیعت و استفاده از منابع طبیعی را تعیین می‌کند. اصل اعتقاد به معاد، نقش تعیین کننده ای در برخورد انسان با طبیعت دارد. این اصول، انسان را از اسراف و اتلاف منابع طبیعی برحذر می‌دارد. از دیدگاه اسلام، ثروتهای طبیعی در اختیار عموم مردم است و نباید استفاده نادرست عده ای از این منابع، موجب زیان در بهره‌برداری دیگران گردد (رضایی، ۱۳۹۵، ۱۵۴). به جهت تکمیل و تاکید بر آموزه‌های اسلام به نظر مرحوم علامه طباطبایی مفسر بزرگ قرآن نیز اشاره ای می‌کنیم. ایشان می‌فرماید: "ثروتهای جهان ملک حقیقی خداوند است و خداوند اجازه فرموده است، افراد این ثروتها را مطابق مقررات به خود اختصاص دهند". علاوه بر

مسائل اعتقادی، ساز و کارهایی در نظام اقتصادی اسلام وجود دارد که زمینه استفاده از منابع طبیعی را فراهم می‌سازد. افزون بر اهتمام تعالیم شریعت، امر به معروف و نهی از منکر نیز از جمله موضوعاتی است که دین مبین اسلام بر آن تاکید کرده است. معروف به معنای رواج کار نیک به صورت فردی یا به صورت جمعی و در سطح جامعه می‌باشد. واژه "معروف" ۳۹ بار در قرآن تکرار شده است که نشان از اهمیت آن در اسلام دارد. واژه "منکر" نیز به معنای بدی و هر نوع کار زشت که وظیفه هر مسلمانی است از آن دوری گزیند. در قرآن نیز در آیه ۱۰۴ سوره آل عمران خداوند می‌فرماید: به جز قرآن کریم، در احادیث نیز بر امر به معروف و نهی از منکر تاکید می‌کنند. اهمیت این فریضه الهی که از فروع دین است به اندازه ای است که امام حسین (ع) قیام خود در مقابل حکومت شخص فاسد و جائری مانند یزید بن معاویه را برای امر به معروف و نهی از منکر در جهت احیاء دین خدا و اسلام ناب محمدی (ص) اعلام می‌کند و شهادت خود و یاران با وفایش و نیز اسارت خانواده‌اش را در انجام این تکلیف الهی و جلب رضایت خداوند با اشتیاق می‌پذیرد (متفکر آزاد، خورشید دوست، ۱۳۹۱، ۱۴۸) بحث امر به معروف در حفاظت از منابع طبیعی و محیط زیست در حدیثی از پیامبر بزرگ اسلام (ص) آمده است: سه چیز است که مایه روشنی دیده اند: نگاه به سبزه و به آب روان و به روی نیکو. اگر جلوه چشم در دیدن فضای سبز و آب روان است، معلوم می‌شود که ایجاد و حفظ بوستان و گلستان و پارک سبز و روان ساختن جوی صاف، مطلوب اسلام است، نه در تحصیل آن کوتاهی رواست و نه در حفظ و حراست از آن قصور سزااست و نه در نگهداری منابع طبیعی و مراتع و مزارع گل و گیاه فتور بجاست (مجیدی، نهج الفصاحه، ۲۹۲). همچنین حضرت علی (ع) در جایی دیگر در بحث منکر در حدیثی می‌فرماید: "از بریدن درخت تر و سبز پرهیز شود، مگر برای ضرورت". (مجلسی، ۳۱۹). به غیر از موارد فوق از امام رضاع (ع) و امام صادق (ع) نیز در این باره احادیث سودمندی نقل شده و حفظ آن را برای مناطق کویری و کم درخت و بیابان نافع تر معرفی کرده اند (آیت ا... جوادی آملی، ۱۳۸۶، ۲۷۳). امروزه با افزایش پیچیدگی‌های جامعه و توسعه گوناگون بازار قوانین مربوط به امر به معروف و نهی از منکر آشکارتر و تعیین کننده تر از پیش شده و توانایی آن برای ارشاد و هدایت فعالیت‌های انسانها به یک الگوی اسلامی از یک سو و ضرورت آن از سوی دیگر به وضوح مشاهده می‌شود. حفاظت و مراقبت از منابع طبیعی نیز از این نظر می‌تواند در قلمرو وظایف امر به معروف و نهی از منکر قرار گیرد که سفارشات و دستورات پیامبر اسلام (ص) در هدر ندادن آب و حفاظت از خاک دال بر این موضوع است. بنابراین حفظ این منابع حیات از واجبات تلقی می‌شود، چرا که آب و خاک دو نهاد مهم تولید هستند، آب مایه حیات همه جانداران می‌باشد و هر گونه تولید و عملیات اقتصادی بدون وجود آنها غیر ممکن است. بنابراین مراقبت و حفاظت از آب و خاک یعنی حفاظت از زندگی و به مصداق "کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیتة" دو وظیفه امر به معروف و نهی از منکر تنها به سازمان و تشکیلات و افراد معین دولتی محدود نمی‌شود بلکه همه موظف به انجام آن هستند و بی تفاوتی نسبت به آن در جوامع اسلامی موجب متروک شدن این وظیفه مهم می‌شود و خسارات و انحرافات زیادی متوجه مسلمانان شده که تخریب منابع طبیعی و محیط زیست نیز از این منظر قابل بررسی است. لذا اگر مسلمانان احساس کنند که مسئولیت حفاظت و حراست از مسائل زیست محیطی را به عنوان بخشی از وظایف اخلاقی و دینی خود بر عهده دارند، امید آن می‌رود که نسل‌های آینده مجبور به زندگی در زمین آلوده و

تخریب شده نباشند. بدیهی است جامعه‌ای که در این نظارت همگانی به عنوان فریضه الهی ترک شود، به سوی فساد و تباهی پیش می‌رود و اگر احیا شود، فلاح و رستگاری به دنبال خواهد داشت، قلمرو این نظارت همگانی بسیار وسیع است و هر امری را که به صلاح یا فساد حیات اعم از محیط زیست انسانی یا طبیعی مربوط شود، در برمی‌گیرد (متفکر آزاد، خورشید دوست، ۱۳۹۱، ۱۵۰).

### رابطه انفال با منابع طبیعی

انفال در لغت به معنای غنیمت (راغب اصفهانی، ۸۲۰) یا فزونی و در اصطلاح فقهی، اموالی است که امام از جهت منصب امامت، مستحق در اختیار داشتن آنهاست، همان طور که پیامبر (ص) به خاطر برخورداری از ریاست الهی، چنین استحقاقی را داشت (الموسوی الخمینی، ۳۶۸) و در فقه از آن به عنوان اموال عمومی یاد می‌شود و فقهای امامیه و اهل سنت در خصوص تعریف و مصادیق آن نظرات متفاوتی دارند و یک سوره از قرآن کریم نیز به همین نام است؛ از جمله مصادیق انفال، جنگل‌ها و مراتع می‌باشند که این دو به هم پیوسته بوده و عناوینی چون اراضی جنگل و مراتع مشجر تداخل جنگل و مراتع را بخوبی می‌رساند. با توجه به این پیوستگی است که به طور عمده قانونگذار مقررات مربوط به این ثروت ملی را با هم بیان نموده است و سازمان واحدی را برای اداره و بهره برداری از آن تدارک دیده است. بسیاری عنوان منابع طبیعی را به جنگل‌ها و مراتع اطلاق نموده اند، چنانکه اکنون ادارات تابع سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور به اداره منابع طبیعی موسوم گشته‌اند (شمس، مصادیق انفال). و در اصل ۴۵ قانون اساسی مفهوم این دو گروه از اموال (اموال و ثروتهای عمومی - انفال) بسیار نزدیک شده است و تنها تفاوت آنها در نوع تحت نظارت دولت انجام می‌پذیرد حتی می‌توان گفت از دیدگاه قانون اساسی انفال و اموال عمومی از جمله جنگل‌ها و مراتع یکسان انگاشته شده‌اند و هر کدام از جنگل‌ها و مراتع جزء اموال عمومی و به تعبیر اصل ۴۵ قانون اساسی در زمره انفال و ثروتهای عمومی هستند و هر یک از این دو مفهوم بیانگر این امر است که این گونه اراضی، مالک خصوصی ندارند (مراجعه شود به تفسیر قانون اساسی - حقوق اساسی).

### نقش بازدارندگی قوانین کیفری در پیشگیری از تخریب منابع طبیعی

هدف از حقوق کیفری زیست محیطی، جلوگیری از ارتکاب آن دسته از نقض‌های زیست محیطی است که قانونگذار آنها را پیشتر به عنوان جرم اعلام کرده است. گفته می‌شود این هدف در مقایسه با دیگر حوزه‌ها (اجتماعی، اقتصادی و...) که در آنها حقوق کیفری بیشتر با مجرمین عادی سر و کار دارد، در حوزه محیط زیست دست یافتنی‌تر است که از جمله قوانین و مقررات وضع شده در خصوص منابع طبیعی و سلسله مراتب از جهت اعتبار و قدرت بیان مقررات حقوق به شرح ذیل می‌باشد:

- قانون اساسی



- قانون عادی
- قوانین آزمایشی مصوب کمیسیون های مجلس شورای اسلامی
- عهد نامه های بین المللی
- مصوبات قوه مجریه

### اهمیت منابع طبیعی در قانون اساسی

یکی از مهمترین منابع حقوق جزای کشور ما قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است که برگرفته از شرع و احکام دینی است و پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز تفکر نوین و مبتنی بر اصول و قواعد فقهی و موازین شرعی، اموال و مشترکات عمومی را فرا گرفت و برای نخستین بار با اهتمام ویژه دو اصل از اصول قانون اساسی به حفاظت از منابع طبیعی و حفاظت محیط زیست اختصاص یافت که در اصول ۴۵ و ۵۰ قانون اساسی به آن پرداخته شد. اصل ۴۵ قانون اساسی در این مورد بیان می کند: "انفال و ثروت های عمومی از قبیل زمین های موات یا رها شده، معادن، دریاها، دریاچه ها، رودخانه ها و سایر آبهای عمومی، کوه ها، دره ها، جنگل ها، نیزارها، بیشه های طبیعی، مراتعی که حریم نیست، ارث بدون وارث و اموال مجهول المالک و اموال عمومی که از غاصبین مسترد می شود، در اختیار حکومت اسلامی است تا بر طبق مصالح عامه نسبت به آنها عمل نماید." در اصل ۵۰ نیز به عنوان شاخص ترین اصل در ارتباط با حفاظت از محیط زیست می گوید: "در جمهوری اسلامی، حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسل های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می گردد. از این رو فعالیت های اقتصادی و غیر آن با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیر قابل جبران ملازمه پیدا کند، ممنوع است."

### منابع طبیعی در قوانین عادی

مسئولیت کیفری در قبال تخریب جنگل ها و مراتع نیاز به پیش بینی شرایط مسئولیت و نیز تعیین کیفرهای بایسته و متناسب است تا بتوان از این طریق مانع تخریب جنگلها و مراتع و ثروتهای ملی گردید که با نگاهی به سابقه مدیریت جنگلها و مراتع در سده گذشته در سال ۱۲۸۴ اولین بار نام منابع طبیعی تحت عنوان اداره شوسه، راه آهن و جنگل در وزارت فواید عامه شکل گرفت و در سال ۱۳۳۸ قانون جنگلها و مراتع تصویب و سازمان جنگلبانی تاسیس گردید و در سال ۱۳۴۶ همزمان با تصویب قانون حفاظت از جنگلها و مراتع به وزارت منابع طبیعی ارتقا یافت که در سال ۱۳۵۰ مجدداً به سازمان جنگلها و مراتع تغییر نام داد. (رضایی، ثاقب طالبی، ۱۳۸۸، ۲۸) که این روند نشان دهنده اهمیت موضوع و ضرورت حفظ منابع طبیعی است که قوانین و حقوق وضع شده در این خصوص ابزار مهمی برای نظارت، مدیریت و توسعه پایدار می باشد. این حقوق در تعیین خط مشی ها و اقدامات حفاظتی و استفاده عاقلانه و پایدار از منابع طبیعی موثر است و می توان بر مبنای حمایت های افکار

عمومی و دولت در راستای اصلاح یا افزایش قوانین داخلی و آیین نامه‌های اجرایی و ضوابط اداری در جهت تقویت مدیریت منابع طبیعی و محیط زیست گام برداشت. همچنین با وضع محدودیت‌ها و ممنوعیت‌ها، صدور دستور العمل‌ها، به حفظ انفال و ثروتهای عمومی حکومت اسلامی کمک کرد (فیاضی، ۱۳۹۳).

### نظام بهره برداری از منابع طبیعی (جنگلها و مراتع)

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران وظیفه حفظ و نگهداری و توسعه از عوامل منابع طبیعی به سازمانی تحت نظارت وزارت جهاد کشاورزی قرار داشت که نام این سازمان با تغییرات صورت گرفته به نام سازمان جنگلها، مراتع و آبخیزداری کشور تغییر یافت که در این سازمان وظایف اصلی به شرح ذیل تقسیم بندی شده است:

- حفاظت از امور اراضی و مالکیت حقوق دولتی بر زمین؛
- جنگلداری و جنگلکاری و حفاظت از جنگلهای کشور اعم از جنگلهای مناطق مرطوب شمال و یا سایر جنگلهای پراکنده در کشور و تشویق مردم به زراعت چوب؛
- آبخیزداری و امور مراتع و بیابان کشور که در این گروه کاری اقداماتی جهت حفاظت از خاک و کنترل فرسایش به همراه اقداماتی برای اصلاح و بهره برداری از مراتع و جلوگیری از توسعه مناطق بیابانی کشور می باشد.

در این راستا نظام بهره‌برداری منابع طبیعی به عنوان نظام‌های اقتصادی و اجتماعی و مردمی توانسته‌اند در تدوین و اجرای برنامه‌های مربوط به حفظ و احیای منابع طبیعی، سازمان "جنگلها، مراتع و آبخیزداری کشور" را یاری دهند مدیریت منابع طبیعی در قالب نظام‌های فوق با نام شرکتهای تعاونی (جنگل، مرتع، بیابان، آبخیزداری، مدیریت منابع جنگلی، بهره برداری از محصولات فرعی جنگل و مرتع و طرح طوبی) در شمال و خارج از شمال و مجریان طرح‌های جنگلداری دولتی و خصوصی در مناطق مختلف کشور شکل گرفته و هریک از این نظام‌ها وظایفی از اهداف مهم مدیریت مشارکت منابع طبیعی را برعهده گرفته و با همکاری و همیاری همه اعضا از یک سو و هدایت و کنترل‌های فنی کارشناسان سازمان جنگلها و مراتع و آبخیزداری از سوی دیگر وظایف و اهداف خود را دنبال می‌کنند (تحلیل نظام حقوقی در منابع طبیعی - پایان نامه ارشد - ۸۹)

ماده ۵۸ قانون حفاظت و بهره برداری از جنگلها و مراتع مصوب ۱۳۴۶ نیز در این خصوص مقرر می‌دارد: "سازمان جنگلبانی مجاز است در مورد واگذاری طرحهای جنگلداری به موسسات دولتی یا وابسته به دولت که سرمایه آنها کلاً متعلق به دولت باشد بدون رعایت مزایده و مقررات مندرج در این قانون اقدام کند".

عوامل تهدید کننده (عوامل موثر در تخریب جنگلها و مراتع)

عوامل متعددی پایداری جنگلها و مراتع را در معرض تهدید قرار داده است. به ویژه در سه دهه اخیر، به طوری که ادامه این روند کشور ما را با دشواریهای سهمگینی مانند سیلابهای ویرانگر، کمبود آب شهرها، طوفانهای خاک، شنهای روان و آلودگی محیط زیست روبرو خواهد کرد. از مهمترین عوامل تهدید و تخریب، توسعه صنعتی و بهره برداری نامعقول از جنگل و منابع جنگلی و مراتع است. عوامل تهدید کننده جنگلها و مراتع را می توان در دسته طبیعی و انسانی تقسیم بندی نمود: عوامل طبیعی تخریب در برگیرنده آن دسته عواملی است که تنها انسان مقصر نیست بلکه شرایط طبیعی عامل اصلی به شمار می روند، مانند سیل، طوفان، صاعقه، زلزله، آتش فشانها و آفت گیاهی (میر دیده، ۱۳۹۳، ۳۱). عوامل انسانی نیز شامل اقداماتی است که به طور مستقیم یا غیر مستقیم توسط انسانها انجام می شود. به طوری که باید مردم سعی کنند تا آنجا که امکان دارد با نامساعد بودن اوضاع طبیعی مبارزه کنند تا از این راه از خرابی بیشتر جلوگیری به عمل آورند. از جمله موارد منجر به تخریب می توان به تبدیل مراتع و جنگلها به زمین زراعی، تهیه آذوقه برای دامها، قطع شاخه درختان و گیاهان برای احشام، برداشت بی رویه از جنگلها و مراتع، روشن کردن آتش در مجاورت درختان و سوزاندن و تهیه مواد سوختنی (کردوانی، پرویز، ۱۳۷۴، ۱۲۷).

### هزینه تخریب جنگلها و مراتع

علاوه بر جنگل زدایی، جنگل های ایران در سطح وسیعی تحت تاثیر تخریب نیز قرار گرفته اند. این امر اساسا به دلیل استحصال بیش از حد چوب جنگلی، چرای بی رویه مراتع توسط دام و گاه شکار بی رویه در گذشته و حال بوده است. این گونه تهدیدها در کل کشور دیده شده است ولی شدت و ابعاد آن در هر منطقه جنگلی متفاوت بوده است که از جمله آن، منطقه جنگلی خزری به تنهایی می تواند به سه گروه وسیع بر اساس وضعیت جنگل زدایی (مربوطه به شرح ذیل) تقسیم بندی شود:

- جنگلهای بسیار تخریب شده
- جنگلهای تخریب شده
- جنگل های خوب و با کیفیت خیلی بالا (لیا کریتور - ماریا صراف، ۶۳).

که قانون حفاظت از جنگلها و مراتع نیز در جهت جلوگیری از تخریب جنگلها و مراتع مجازاتی را تصویب کرده است که در فصل ششم قانون حفاظت از جنگلها مصوب ۱۳۴۶ در ماده ۴۲ تا ۴۷ به مجازات جرایم فوق پرداخته است. ماده ۴۲: تهیه چوب و هیزم و ذغال و بریدن و ریشه کن کردن درختان و نهالها در منابع ملی شده و متعلق به دولت و همچنین در توده های جنگل بدون موافقت کتبی سازمان جنگلبانی ممنوع است این قبیل فرآورده ها به نفع سازمان جنگلبانی ضبط میشود و طبق

اصلاحیه ۱۳۹۶ هیات وزیران و با استناد به ماده ۲۸ قانون مجازات اسلامی میزان جرایم مندرج در ماده ۴۲ به شرح ذیل می باشد:

الف -جریمه نقدی بریدن، ریشه کن کردن و سوزاندن هر اصله نهال، یک میلیون و پانصد هزار ریال تا سه میلیون و هفتصد و پنجاه هزار ریال به شرح زیر می باشد:

ز

•  
 حال درختان موضوع ماده ۱ حفظ و حمایت از منابع طبیعی و ذخایر جنگلی کشور مصوب ۱۳۷۱ و گونه های کهور، آکاسیا و کنار، سه میلیون و هفتصد و پنجاه هزار ریال

ز

•  
 حال درختان دسته دوم موضوع بند ۱۷ ماده ۱ قانون حفاظت و بهره برداری از جنگلها و مراتع، دو میلیون و دویست و پنجاه هزار ریال

ز

•  
 حال درختان سایر گونه ها، یک میلیون و پانصد هزار ریال

ب -جریمه نقدی بریدن و ریشه کن کردن هر اصله درخت و تهیه هر متر مکعب چوب، هیزم و ذغال از آن سی میلیون ریال تا هفتصد و پنجاه میلیون ریال می باشد:

د

•  
 رختان موضوع ماده ۱ قانون حفظ و حمایت از منابع طبیعی و ذخایر جنگلی کشور مصوب ۱۳۷۱ و گونه های کهور، آکاسیا و کنار هفتاد و پنج میلیون ریال

د

•  
 رختان دسته دوم موضوع بند ۱۷ ماده ۱ قانون حفاظت و بهره برداری از جنگلها و مراتع، پنجاه و دو میلیون و پانصد هزار ریال

د

•  
 رختان سایر گونه ها، سی میلیون ریال

ب -در ماده ۴۳:

میزان جرایم نقدی موضوع این ماده شش میلیون ریال تا پانزده میلیون ریال به شرح زیر می باشد:

• ریدن و ریشه کن کردن بوته ها و خارهای مناطق بیابانی و کویری شش میلیون ریال

• ریدن و ریشه کن کردن درختچه های مناطق بیابانی و کویری پانزده میلیون ریال

پ- در ماده ۴۴:

جریمه نقدی، چرانیدن بز در جنگل ها و مراتع و مناطقی که از طرف سازمان جنگلها که از طرف سازمان جنگل ها، مراتع و آبخیزداری کشور تعیین و آگهی شده است، چهار میلیون و هشتصد هزار ریال برای هر راس بز می باشد.

ت- جریمه نقدی کت زدن یا پی زدن یا روشن کردن آتش در تنه درخت جنگلی، از سی میلیون ریال تا هفتاد و پنج میلیون ریال به شرح زیر می باشد.

• رختان موضوع ماده ۱ قانون حفظ و حمایت از منابع طبیعی و ذخایر جنگلی کشور مصوب ۱۳۷۱ و گونه های کهور، آکاسایا و کنار، هفتاد و پنج میلیون ریال

• رختان دسته دوم موضوع بند ۱۷ ماده ۱ قانون حفاظت و بهره برداری از جنگلها و مراتع، پنجاه و دو میلیون و پانصد هزار ریال

• رختان سایر گونه ها، سی میلیون ریال

ث- در ماده ۵۰:

جریمه ریالی چرای غیر مجاز در محدوده جنگلهای سوخته و یا توده های جنگلی مذکور در تبصره ۲ ماده ۲ قانون ملی شدن جنگلها که توسط سازمان جنگل ها و مراتع و آبخیزداری کشور قرق اعلام شده است برای هر واحد دامی معادل بیست درصد ارزش متوسط واحد دامی که در ابتدای هر سال توسط وزارت جهاد کشاورزی اعلام می شود، محاسبه خواهد شد. که جنگل زدایی و تخریب جنگل احتمالا تعدادگونه های گیاهی را کاهش می دهد که دارای قابلیت های دارویی نادرند.

جدول ۱: تعیین خسارت منابع طبیعی کشور

شرح	طبقه بندی بر اساس قانون حفاظت	متوسط ارزش پایه در ناحیه رویشی
-----	-------------------------------	--------------------------------

ایرانی -تورانی		
۶۰۰۰۰۰۰ ریال	طبقه ۱	درخت طبیعی
۲۵۰۰۰۰۰ ریال	طبقه ۲	
۱۰۰۰۰۰۰ ریال	طبقه ۳	
۲۰۰۰۰۰۰ ریال		درختچه
۱۰۰۰ ریال		بوته
۱۰۰۰۰ ریال		نهال طبیعی
۸۰۰۰۰۰ ریال		جنگل دست کاشت بیابانی
۷۰۰۰۰ ریال		جنگلکاری (۸ساله)

بر اساس بند ۱۷ ماده ۱ قانون حفاظت و بهره برداری از جنگلها و مراتع مصوب ۱۳۴۶ جمع کل برآورد خسارت با اعمال ضریب ارزش غیر مبادله ای محاسبه می شود. بوته شامل گون کتیرایی، خرمنی و مفتولی -قیچ -دافنه -باریچه -وشا -آویشن - بابونه دارویی -تنگرس -رمنیک -پیاز نرگس و پیاز موسیر و سایر موارد است.

#### عهد نامه های بین المللی مرتبط با تخریب منابع طبیعی

##### جرم شناسی سبز

در حقوق کیفری بزه دیده شناسی سبز یا زیست محیطی از جمله شاخه های جرم شناسی سبز است که در دهه ۱۹۹۰ میلادی با خاستگاهی انتقادی از نظام عدالت کیفری در تقابل با بزه دیده شناسی متعارف پا به عرصه ی ظهور گذاشت. در بزه دیده شناسی اصولاً انسانها به عنوان بزه دیده ی جرائم معرفی گشته در حالی که در بزه دیده شناسی سبز با گذار از این دیدگاه و ارزش گذاری برای محیط زیست معتقد است که انسان در کنار طبیعت می تواند بزه دیده سبز باشد. با رهگیری مقررات حاکم سیاست کیفری تقنینی ایران میتوان بزه دیدگان سبز را به دو دسته ی جاندار و بی جان تقسیم کرد. بزه دیدگان سبز جان دار عبارت اند از اشخاص، جانوران، درختان و گیاهان و بزه دیدگان سبز بی جان نیز به هوا، آب، خاک و زمین قابل تقسیم اند. بزه دیده شناسی سبز، (باقر شاملو و همکاران)

اجزای طبیعت که بزه دیده سبز واقع می شوند عبارت اند از: هوا، آب، خاک، جانوران، درختان، گیاهان و زمین. اگر چه ممکن است جرایم زیست محیطی در برخی موارد مانند اثر آلاینده ها بر آثار تاریخی - فرهنگی تاثیر بگذارد؛ اما این موارد بزه دیده سبز نخواهند بود، زیرا از اجزای طبیعت نبوده و از مصنوعات بشری هستند. هرچند آسیب های وارد بر محیط زیست، مورد غفلت جرم شناسی بوده، اما در دهه های اخیر تمرکز جرم شناسی بر جرایم محیط زیست افزایش یافته است.

### ضرورت شناخت بزه دیدگان سبز

تکلیف دولتها اعمال اصل سیزدهم بیانیه کنفرانس سازمان ملل متحد درباره محیط زیست و توسعه که بیان کننده " تدوین قوانین ملی برای شناسایی قربانیان آلودگی محیط زیست" است، آشکار ساخت که معیار نخست، کثرت بزه دیدگان سبز است. برخلاف بزه های متعارف که معمولاً بزه دیدگان اندک و مشخصی دارند، بزه های زیست محیطی قربانیان بسیاری بر جای می گذارند. معیار دوم تنوع بزه دیدگان سبز می باشد. در جرایم متعارف، انسانها به عنوان بزه دیده معرفی می شوند حال آنکه در جرایم سبز به جهت پیوستگی اکوسیستم، چنانچه بخشی از آن مورد تعرض قرار گیرد، سایر بخشها نیز مورد بزه واقع می شوند. معیار سوم وسعت بزه دیدگان سبز است؛ این معیار به معنای عدم محدودیت بزه دیدگان سبز به قلمروهای حاکمیتی کشورها و فرا مرزی شدن آنها است. برای مثال قاچاق گونه های نادر گیاهی و جانوری و یا انتقال غیرقانونی مواد پرتو زا و مضر و یا تغییرات آب و هوایی که ناشی از انتشار گازهای گلخانه ای است.

### برخی قوانین حاکم در ایران برای جلوگیری از جرایم سبز

در اصل ۵۰ قانون اساسی آمده است: در جمهوری اسلامی، حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسل های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می شود؛ از این رو فعالیت های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیر قابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است.

طبق ماده ۶۷۵ قانون مجازات اسلامی هر کس عمداً عمارت یا بنا یا کشتی یا هواپیما یا کارخانه یا انبار و بطور کلی هر محل مسکونی یا معبد برای سکنی یا جنگل یا خرمن یا هر نوع محصول زراعی یا اشجار یا مزارع یا باغ های متعلق به دیگری را آتش بزند به حبس از دو تا پنج سال محکوم می شود.

تبصره ۱ - اعمال فوق در صورتی که به قصد مقابله با حکومت اسلامی باشد مجازات محارب را خواهد داشت.  
تبصره ۲ - مجازات شروع به جرائم فوق شش ماه تا دو سال حبس می باشد.

یا در ماده ۶۸۴ قانون مجازات اسلامی نیز این طور آمده است که هر کس محصول دیگری را بچرانند یا تاکستان یا باغ میوه یا نخلستان کسی را خراب کند یا محصول دیگری را قطع و درو نماید یا به واسطه سرقت یا قطع آبی که متعلق به آن است یا با

اقدامات و وسایل دیگر خشک کند یا باعث تضييع آن بشود يا آسياب ديگري را از استفاده بياندازد به حبس از شش ماه تا سه سال و شلاق تا (۷۴) ضربه محكوم مي‌شود.

با شناخت پيامدهاي منفي ايجاد شده از آسيب به طبيعت سبز؛ بايد بکوشيم از طبيعت به طور شايسته بهره ببريم و در حد توان کارهاي نيك از جمله؛ پاکسازي آلودگيهاي موجود در اطراف محل زندگي و تفرجگاههاي مورد استفاده، عدم استفاده از مواد شيميايي مضر براي تميز کردن سطوح و جاگزین نمودن مواد غير مضر، از استفاده خودروي شخصي در مواردی که امکان استفاده از وسایل نقلیه عمومی وجود دارد، جلوگیری شود، از شکار و قاچاق موجودات نادر بپرهیزیم (هنر بخش، ۱۳۹۸).



در ایران حفاظت و صیانت از مراتع و جنگلها توسط سازمان جنگلها، مراتع و آبخیزداری کشور، مدت زیادی است که مورد توجه واقع شده و دولت ها و سازمانهای بین المللی نیز با توجه به رشد جمعیت و فشار وارد بر عرصه های منابع طبیعی، در سطوح ملی، منطقه ای و بین المللی تدابیر و راهکارهایی را اتخاذ کرده اند که بدون شک کمک گرفتن از قوانین کیفری یکی از ابزارهای موثر در حمایت از منابع طبیعی و محیط زیست می باشد و در کشورهای دیگر نیز این موضوع تجربه شده است. در کشور ما با وجود شدت و کثرت زمین خواری و تبدیل عرصه های منابع طبیعی و تغییر کاربری اراضی ملی، تاکنون در برخی از قوانین، به اتخاذ راه کارهایی حقوقی و کیفری در صیانت از منابع طبیعی پرداخته شده است. قطعاً تصویب قوانین بصورت جزئی و وجود قوانین تخصصی و جامع در این باره، در میزان کارآمدی و افزایش توانمندی دستگاههای متولی، در صیانت از اهداف یاد شده و تقویت همکاریهای بین سازمانی که یکی از ضرورت های این عرصه می باشد، اثر گذار خواهد بود. گذشته از این یکی از مشکلات حاکم بر این مقوله، عدم فرهنگ سازی و نهادینه نشدن حفاظت به عنوان یک ارزش بنیادین و اساسی در دستگاههای متولی و ذی ربط اعم از دستگاههای تقنینی و قضایی و اجرایی می باشد. که علاوه بر مد نظر قرار دادن این موارد، انجام کارهای آموزشی و فرهنگی نیز باعث بهتر شدن فضا در جهت حمایت و حفاظت مراتع و جنگلها خواهد شد.

- ۱- قرآن کریم
- ۲- اصفهانی، راغب، مفردات الفاظ قرآن، انتشارات مرتضوی، جلد ۱، تهران ۱۳۸۸، ۲۵۰
- ۳- فیض علیرضا، مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام، ص ۷۱-۷۰
- ۴- موسوی اردبیلی، سید عبد الکریم - فقه القضا، جلد ۲، ۱۳۸۱، ۷۴
- ۵- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، جلد ۱ و ۲ و ۳ و ۴، کتابخانه گنج دانش، چاپ اول ۱۳۷۸
- ۶- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، ذیل واژه کیفر
- ۷- ارجمند دانش، جعفر، ترمینولوژی حقوق جزای اسلامی، اعظم نیاب، چاپ اول، ۱۳۷۸، ص ۲۹۳
- ۸- کریمی، حسین، فرهنگ دادرسی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۸، ص ۲۵۴
- ۹- گرجی، ابوالقاسم با همکاری روشنعلی شکاری و حسین فریار، حدود تعزیرات و قصاص، انتشارات دانشگاه تهران، پاییز ۱۳۸۱
- ۱۰- بندر ریگی، المنجد، انتشارات علمی جلد ۲ و ۱، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۸
- ۱۱- اباذری فومشی، منصور، شرح قانون مجازات اسلامی، خط سوم، تهران، ۱۳۷۹ ص ۱۶
- ۱۲- نظری، سمیه، تعریف مسولیت کیفری در شاخه حقوق اقتصادی (اینترنت)
- ۱۳- ارتباط مسولیت انتظامی با مسولیت کیفری و مدنی، سید مرتضی شهیدی، فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی دوره ۲۳، شماره ۸۳، (پائیز ۱۳۹۷)
- ۱۴- محمدی آدرگانی، مهدی، پایان نامه مسولیت کیفری در قلمرو حقوق تجارت، ۱۳۸۸، ص ۶
- ۱۵- گلدوزیان، ایرج، حقوق جزای عمومی، موسسه انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۵، ص ۴۷۷
- ۱۶- گلدوزیان، ایرج، حقوق جزای خصوصی، موسسه انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۵، ص ۴۷۷
- ۱۷- محمد معین، فرهنگ فارسی معین، جلد ۱، چاپخانه سپهر تهران، چاپ ششم، ۱۳۶۳، ص ۱۲۴۶
- ۱۸- احمد مصدق، جنگل شناسی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ پنجم، ۱۳۹۰
- ۱۹- حسن، دولت آبادی، فرهنگ محیط زیست، انتشارات فرهنگ معاصر، چاپ دوم، ۱۳۸۷، ص ۱۰۶
- ۲۰- علیرضا، اوسطی، فرهنگ تشریحی محیط زیست، انتشارات دانشیار، چاپ اول، ۱۳۸۸، ص ۱۴۷
- ۲۱- اصفهانی راغب، مفردات الفاظ قرآن، ج ۱؛ ص ۳۵۸
- ۲۲- علیرضا، فیض، مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام، ص ۷۱-۷۰
- ۲۳- رضایی، حبیبه. بررسی تطبیقی اباحه تصرف در منابع طبیعی از منظر فقه و حقوق موضوعه، پایان نامه ارشد - ص ۱۵۴
- ۲۴- متفکر آزاد، محمد علی؛ خورشید دوست، علی محمد، محیط زیست و نگرش اسلامی، ۱۳۹۱، ۱۴۸
- ۲۵- مجیدی، غلامحسین، نهج الفصاحه، تحقیق، جلد ۱، ص ۲۹۲
- ۲۶- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۷۶، ص ۳۱۹
- ۲۷- جوادی آملی، آیت ا ...، اسلام و محیط زیست، ص ۲۷۳
- ۲۸- متفکر آزاد، محمد علی؛ خورشید دوست، علی محمد، محیط زیست اسلامی، ۱۳۹۱، ۱۵۰

- ۲۹- راغب اصفهانی، دار الکاتب العربی، ص ۸۲۰
- ۳۰- طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، ج ۹، ص ۵
- ۳۱- الموسوی الخمینی، سید روح...، تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۶۸
- ۳۲- شمس، احمد، حقوق و منابع طبیعی، وضع جنگل ها و مراتع در اندیشه و آراء فقیهان امامیه بررسی مفهوم انال و مصادیق انفال
- ۳۳- رضایی، سید عطا، سیمای منابع طبیعی و آبخیزهای ایران، ۱۳۸۸، ص ۲۸
- ۳۴- فیاضی، سید محمدرضا، بررسی فقهی مالکیت بر اموال عمومی، ۱۳۹۳، ۲۳۲ ص
- ۳۵- تحلیل نظام حقوقی در منابع طبیعی -پایان نامه ارشد- ص ۸۹
- ۳۶- میر دیده، عاطفه، حقوق بین الملل حفاظت از جنگل ها، انتشارات خرسندی، ۱۳۹۳، ص ۳۱
- ۳۷- کردوانی، پرویز، مراتع ایران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۴، ص ۱۲۷
- ۳۸- لیا کریتور، ماریا صراف، هزینه تخریب محیط زیست، ترجمه ایرج صالحی، ۱۳۹۵ موسسه انتشارات دانشگاه تهران صفحه ۶۳
- ۳۹- شاملو باقر و همکاران، پژوهش حقوق کیفری، پاییز ۱۳۹۶، دوره ۶، شماره ۲۰، ۶۷-۳۷
- ۴۰- زهرا هنر بخش، جرم شناسی سبز، مقاله ۱۳۹۸